

## خاک و رارود و تقسیمات کنونی آن

به نگاهی بسیار سطحی به نقشه جغرافیایی جهان و دقت در حدود و سامان کشورها و بخشها و نواحی هر کشور به این نتیجه می‌رسیم که تقسیمات خاک و رارود [ماوراءالنهر] به پنج جمهوری خودمختار زشت‌ترین و بی‌پایه‌ترین تقسیم روی کره خاکی است.

صاحب حدود العالم در سال ۲۷۲ قمری یعنی درست ۱۰۴۱ سال پیش (امسال ۱۴۱۳ قمری است) می‌نویسد:

ناحیتی از ناحیتی به چهار روی جدا گردد: یکی به اختلاف آب و هوا و زمین و گرما و سرما و دوم به اختلاف دینها و شریعتها و کیشها و سیم به اختلاف لغات و زبانهای مختلف و چهارم به اختلاف پادشاهیها. و حد ناحیتی از ناحیت دیگر به سه چیز جدا شود: یکی به کوهی خرد یا بزرگی که میان دو ناحیت بگذرد و دوم به رودی خرد یا بزرگی که میان دو ناحیت برود و سیم بیابانی خرد یا بزرگی که میان دو ناحیت اندر باشد (حدود العالم، ص ۵۷).

اما روسها به خلاف نظر جغرافیدانان عمل کرده‌اند تا جایی که یکی از تاجیکان رساله‌ای در این باره نوشت و این تقسیمات را «تبر تقسیمی» خواند.

بدترین خطوط سامان و سرحد را می‌توان میان نصف‌النهار ۶۹ درجه و ۷۳ درجه شرقی گرینبویچ دید. نمندگان و اندیجان را که جزء خاک تاجیکستان است، داخل

قرقیزستان پیش برده‌اند و اوش و اوزکند و جلال‌آباد را به دست قرقیزان داده‌اند، تاشکند و سمرقند و بخارا و اورگنج و خیوه را به دست ازبکها سپرده‌اند و قسمتی از خاک ایشان را — در جنوب دریاچه خوارزم (= آرال) — به قراقالباقها بخشیده‌اند. چهارجو و کرکی و اشک‌آباد (= عشق‌آباد) را به ترکمانها وا گذاشته‌اند. برای جدا کردن قزاقستان از ازبکستان و ناحیه قراقالباق، در میان بیابان عظیم قزل قوم خطی شکسته و ناصاف کشیده‌اند و به جنوب شرقی دریاچه آرال رسانده‌اند، در صورتی که هیچ‌گونه عارضه طبیعی در این بیابان نیست تا بتواند مبدأ تقسیم و علت شکستگی خط گردد. ظاهراً در این کار نظری جز تولید اختلاف میان طوایف و اقوام مختلف و بیشتر تاجیک‌زدایی و ایرانی‌زدایی نداشته‌اند.

اهالی سمرقند و بخارا که خود را ایرانی می‌خوانند و می‌دانند زیر دست ازبکان افتاده‌اند و در شناسنامه، ایشان ازبک هستند. هر چه صاحب شناسنامه فریاد می‌زند که من ایرانیم. روسها می‌گویند شما در ازبکستان هستید و ازبکید. پافشاری و استقامت تاجیکان و ایرانیان این جمهوریهای تبرتقسیمی را باید ستود زیرا دانسته‌اند برای دوام و بقای خود راهی جز پایداری ندارند و مدلول این ابیات را شعار خود قرار داده‌اند:

پافشاری و استقامت میخ سزد ار عبرت بشر گردد  
بر سرش هر چه بیشتر کوبند پافشاریش بیشتر گردد

#### تسخیر توران زمین به دست روسها

روسها پس از آن که از کوههای اورال گذشتند وارد توران زمین (توریکستان) شدند و آهسته آهسته خانات را از میان بردند تا در سال ۱۲۹۲ قمری توانستند خیوه — پایتخت خوارزم — را هم تصرف کنند. از این تاریخ ۱۲۲ سال قمری می‌گذرد. اگر عمر هر نسل آدمی را سی سال به حساب بیاوریم، تاجیکان چهار نسل است که به دست روسها افتاده‌اند. ولی زن تاجیک توانست از این دوران پر هیاهو و پرفشار سربلند بیرون آید و آداب و سنن قدیمی خود را تا امروز حفظ کند و تسلیم سرباز روس نشود و او را به همسری خود انتخاب نکند. اعتقادات و آداب دینی ایشان تا امروز برقرار است. لباس و آرایش زنان هنوز شکل قدیمی خود را حفظ کرده و زبان فارسی تاجیکی تا امروز در خانه‌های تاجیکان، در هر جمهوری که افتاده باشند رواج دارد و ما در طول سفر هشتاد روزه خود، آنجا که با تاجیکان سر و کار داشتیم تفهیم و تفاهم برقرار بود. فقط روسها توانستند خط فارسی را ابتدا به خط لاتین و سپس به خط سیرالیک (خطی من درآوردی

که در هر جمهوری شکلی غریب پیدا کرده است) تبدیل کنند و امروز تمام تاجیکان زبان فارسی را با خط سیرالیک از چپ به راست می‌نویسند.

### کارهای هنری تاجیکان

شعب کارهای هنری و کارهای دستی تاجیکان تا امروز زنده و پابرجای است و در فنون و هنرهای مختلف استادکاران زبردست در عین ذوق و شوق به کار خود مشغولند. کاشیکاری با شعبه ظریف معرق‌کاری استادان مشغول به کار دارد. نجاری — خصوصاً کار تزیین سقفها — در اوج قدرت است. تاجیکان و ایرانیان ورارود عاشق چوب‌اند در حیاط خانه‌ها، یا در پیاده‌رو کوچه‌ها، پشت دیوار خانه‌ها گرده چوب و الوار همه‌جا به چشم می‌خورد. چوبی که برای این کار مصرف می‌شود نوعی سپیدار است که در قمصر کاشان آن را سپیدار سمرقندی می‌خوانند. سپیدارهای کهن که قطر دایره تنه آنها به نیم متر می‌رسد، مخصوص تراش ستون است. طرحهای روکار بدنه ستون و مقرنسهای سرستون و ته‌ستون و رنگ آمیزیهای آنها بیشتر به اعجاز شباهت دارد. سقف خانه‌های بزرگ و محله‌های عمومی نظیر مساجد نوعی کار چوبی به نام «قبضه و فرومان» دارد که مخصوص این گوشه از جهان است و دیگر ساکنان جهان، از آن خبری ندارند. سایر وسایل چوبی نظیر گهواره و میزهای کوچک و مجری و صندوق و صندوقچه و نظایر آنها هنوز هم ساخته و رنگ آمیزی می‌شود. جاقو و کاردهای اندیجان را هنوز به سایر شهرها و دهکده‌های ورارود می‌برند. سفالگری کاری رایج است و وسایل عادی زندگی بیشتر از سفالینه تهیه می‌شود. زرگری و طلاکاری رونق دارد و زنان تاجیک و زنان ایلات تازه‌وارد شهرنشین شده علاقه زیاد به گوشواره و دستبند و گردن‌بند و سینه‌ریز نشان می‌دهند. زنان تاجیک در حد زیبایی هستند عیبی که دارند دندانهای سفید عاج مانند خود را با روکشی از طلا می‌پوشانند. ارزش زنی که دندان طلا ندارد ظاهراً کمتر است.

گجبری روی آینه و مشیک‌کاری با گج و گجبریه‌های گیلوئی و دور قلاب و چرخداناها برقرار است و استادان فنون مختلف این هنر به کار خود مشغولند.

قلمزنی بر نقره و برنج و مس رواج دارد ولی راسته بازار معینی نداشت و روسها پس از تخلیه مدارس دینی، اطاقهای مطلاب را به قلمزنان داده بودند و برای خرید انواع قلمزنی به مدارس قدیمی مراجعه می‌کردیم.

انواع پارچه‌های ابریشمی با طرحها و نقشهای بسیار رنگین و زنده هنوز بافته

می‌شود و خریداران آنها بیش از پیشند.

در پارشنیو بدخشان محلی برای تراش انواع سنگهای قیمتی خصوصاً یاقوت است و استادان و کارآموزان در آنجا مشغول به کارند. نقاشی و مجسمه‌سازی بازارش گرم است ولی حال و هوای روسی پیدا کرده، مجسمه برنزی فردوسی را ساخته بودند و ایامی که ما در دوشنبه بودیم به جای مجسمهٔ لنین برپا کردند، اما به جنگجویان تروا بیشتر شباهت داشت تا به شاعری طوسی.

از هنرهای بسیار زیبا و جالب زردوزی است که هنوز در بخارا و سایر شهرهای ورازو خریداران زیاد دارد. گل و بوته‌های مختلف و نقوش و طرحهای متفاوت زرین را روی لباسها و پوششهای دوخته نظیر جبه و پاچه‌های شلوار زنانه و کلاه و موزه و کفش با دست می‌دوزند. اخیراً این کار ماشینی هم شده است. جلا و تالو این گل و بوته‌ها در شب و روز خیره‌کننده است. در کارگاهها پیرمردان هنرمند زردوز بر سر کارند. در این کارگاهها پنجاه شصت تن زن که از سوزن زدن هنرمندانه خود نان می‌خورند نشسته‌اند و لباسها را روی زانوهای خود گسترده و با دستهای هنری خود طرحهای استادان را می‌دوزند.

در یکی از کارگاهها نگارنده خواست نامهای گل و بوته‌ها و طرحها را بنویسد. گفتند: کتابی در این باره خانم گنجاروف به نام «بخارا زردوزلیک صنعتی» به خط روسی و خط سیرالیک از یکی نوشته‌اند. پس از تهیه کتاب معلوم شد این هنر ظریف و پرکار را که هزاران سال است تاجیکان هنرمند می‌دوزند «ازبکستان خلق صنعتی» خوانده‌اند. تاجیک را بیرون دروازه گذاشته و ازبک تازه به شهر رسیده که چند صباحی است صحرانشینی و گله‌داری را رها کرده، هنرمند جلوه داده‌اند. وقتی قلم در کف دشمن باشد غیر از این توقع نمی‌توان داشت.

نام طرحها و نقشها در کتاب خانم گنجاروف به خط سیرالیک ازبکی است. با زحمت فراوان از این خط به خط فارسی برگرداندم. امید می‌رود مورد استفاده هنرمندان و اهل تحقیق قرار گیرد.

گلور تنکابن - ۱۵ مرداد ۱۳۷۲

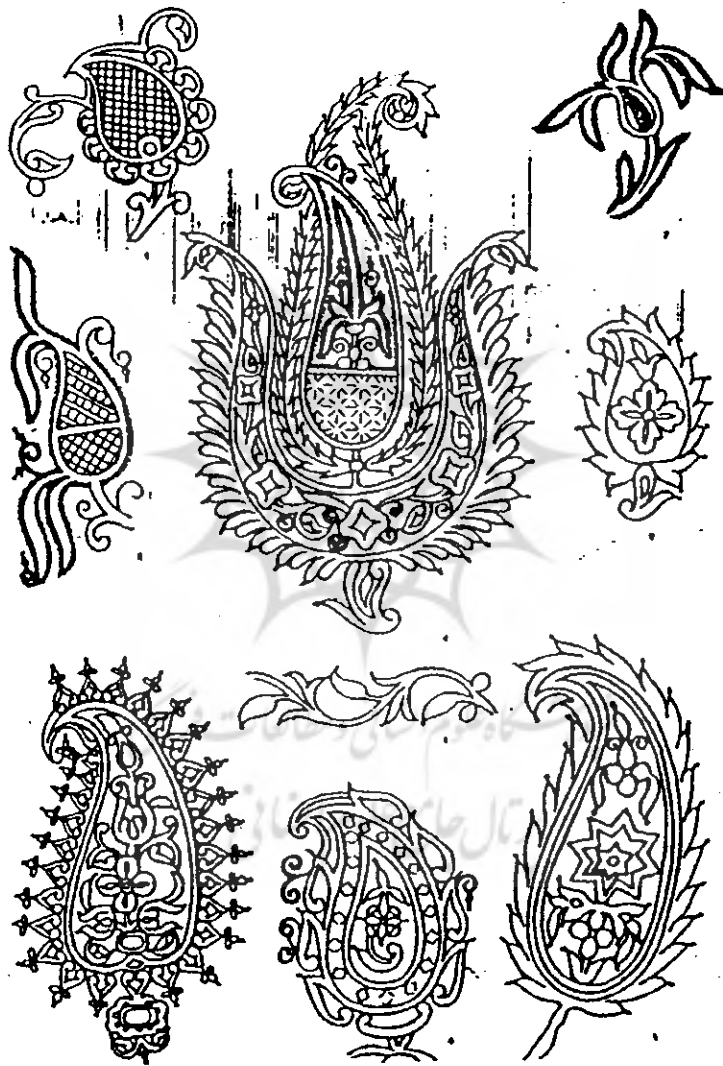
### مصطلحات زردوزی در بخارا

آبه - آبه چار در چار - اراکی (شاید عراقی امروز؟) - اسلیمی - اسلیمی دو  
رفتاره - اسلیمی یک رفتاره - اشکندر پچان (= اشکن دار پچان) - اشکندر پچان

بادامناک — اشکندریچان تنگچه‌ناک — الماسی (= الماسه‌ای) — انگور — بادام —  
 بادامچه — بادامی خزان‌ناک — بادامی شاخ‌ناک — بادامی نعلک‌ناک — برگ —  
 برگ شلوکه‌ای — برگ مجنون بید (با یاء مختفی) — بریشم دوزی — بوته — بوته‌چه  
 — بوته‌دار — بوته‌دار توکناک — بوته‌دار چلیک — بوته‌دار درخت — بوته‌دار  
 طوق‌ناک — بیت (یعنی دومصراع شعر) — پولکچه — پولکچه‌دوزی — توک —  
 تاجی گل — تافته‌دوزی — تحریر — تحریری خام — تحریری دو بردارِ توفتگی —  
 تحریری دوتابه — تحریری نیم‌تابه — تحریری یک‌تابه — تحریری شیرازی — تحریری  
 دو بردار تافتگی — ترنج (بضم تاء و راء) — ترنجی خزان‌ناک — ترنجی نعلناک —  
 تُکَلک — تنگچه — توفته‌دوزی — جفته دوره‌ای — چارگل — چار مداخل — چار  
 مداخلی درون به درون — چشمی بلبلی — چشمی بلبلی چارتایی — چشمی بلبلی شش  
 تایی — چشمی بلبلی دورویه — چلیک — خارک دوزی — خزان — خزانی دو رفتار —  
 خشت — خشتی حرم — درخت — درهم — درهم درخت — دو برگ — دوری سه گله  
 — دوری گردش — دو کور (= دوری کور) — زردوز — زردوزی — زر دوزی بریشم دوزی  
 — زمین دوزی — زمین دوزی گلدوزی — زهای کُرتَه — سه برگ — سه کتیبه (= سه  
 کتابه) — سه گله — سیدی — سیم — سیم دوزی — شاخ — شاخچه — شاخچه شش  
 خالناک — شده‌ای — شش خال — شش خالی دو موجه — شش خالی شش تایی —  
 شش خالی هشتایی — شش خالی یک موجه — شتوکی — قبه‌ای — قوش بادام (قوش  
 در زبان ورارود به معنی جفت، دوتایی و دوقلو است) — قوش بادام خزان‌ناک — کابلی  
 — کاش بادام — کاش بادام خزان‌ناک — کاشیک — کاشین (ظاهراً منسوب به  
 کاشان) — کعب گل‌گلدان — کعبی گل — کلی باتون (شاید گلابتون در زبان فارسی  
 کنونی ایران) — کلی باتون سفید — کلی باتون طلا — کندی — کندی تنگچه‌ناک  
 — کندی چاربخگی — کندی دله خانه‌ناک — کندی دوزی — کندی هشت  
 بخگی دله خانه‌ناک — کندی هشت بخگی — کندی هشت بخگی تنگچه‌ناک —  
 کنگره — کور — کوری پیش یاله (پیش با یاء مختفی) — گردش — گل — گل  
 بی‌شک — گلی چاربرگ — گلی جینی — گلدوزی — گلدوزی زمین دوزی — گل  
 شش برگ — گل صد برگ — گل قشقری (شاید کاشغری) — گل قلمگی — گل  
 کاسه گل — گل هشت برگ — لاله‌ای قلمگی — لاله‌ای گل — ماه — مجنون بید —  
 مجنون درون به درون — محراب — مداخل — مداخلی درون به درون — مرغوله — مرغوله  
 دومچه‌ناک — مرغوله نک تیز (با یاء مختفی) — مشرقه — موج — موجی آچه‌بچه —

موجی دورویه — موجی پشنی ماهی — موجی چار در چار — موجی چشمی بلبلی —  
 موجی چشمی بلبلی چارتایی — موجی چشمی بلبلی دورویه — موجی چشمی بلبلی  
 شش تایی — موجی خنجری — موجی یک رویه — نشان — نعلک — نعلک نک تیز (با  
 یاء مخفی) — نیم خشت — هشت برگ — یگه برگ.

نمونه ای از نقش و نگارهای زر دوزی



برگ ۱، طرحهای مختلف بادام:

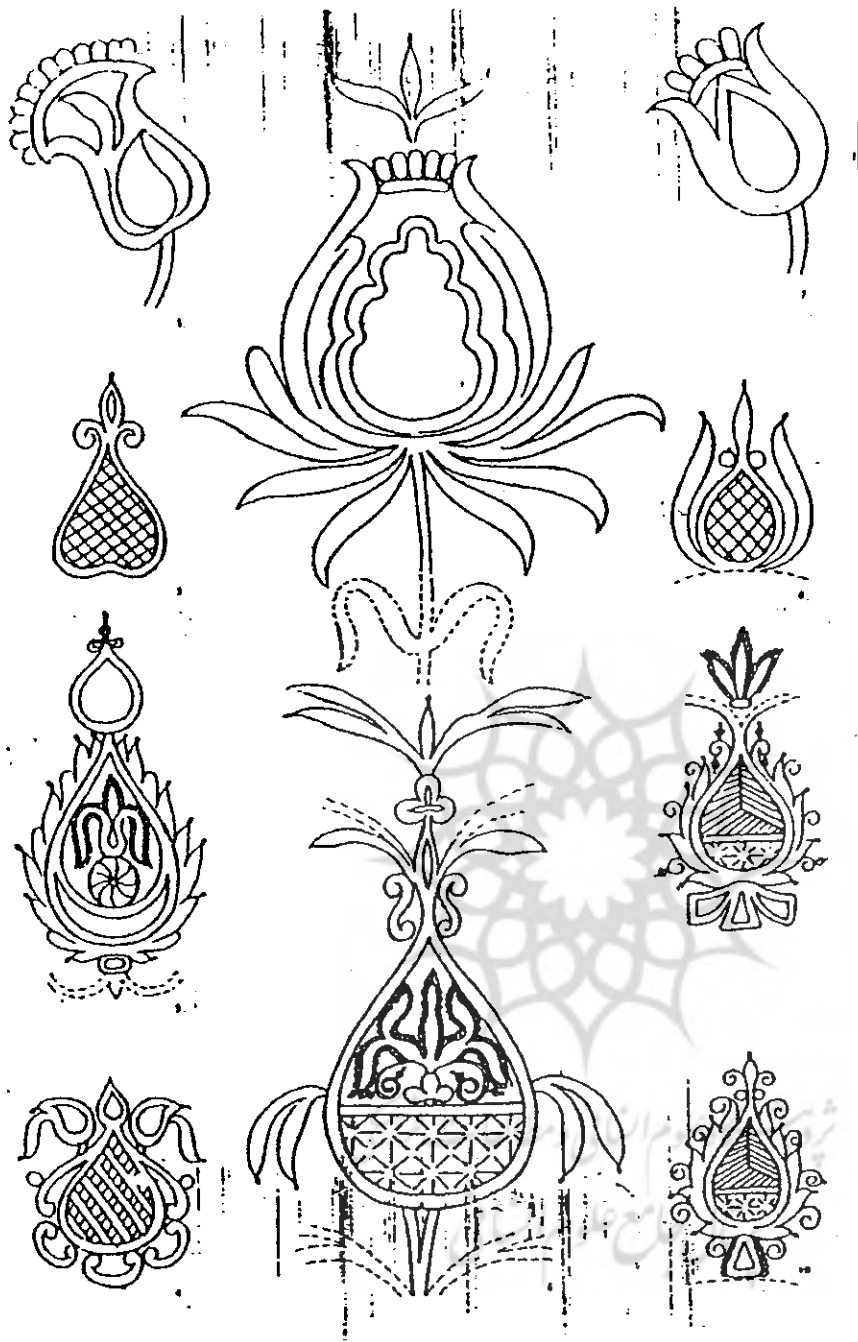
۲ و ۶ و ۷ : بادام؛ ۱ و ۳ : بادام نعلک؛ ۴ : توش بادام؛ ۵ : اشکدریجانی بادام ناک (= اشکدریجانی

بادام ناک)؛ ۸ و ۹ : بادامی خزان ناک



برگ ۲، طرح‌های مختلف بادام:

۱ و ۷ و ۸ و ۱۲: بادام؛ ۴ و ۱۰ و ۱۱: قوش بادام؛ ۲ و ۳: قوش بادامی خزان‌ناک؛ ۵ و ۶: بادامی خزان‌ناک؛ ۹: بادامی نعلناک<sup>۱</sup>



برگ ۳، طرحهای ترنج و انار:

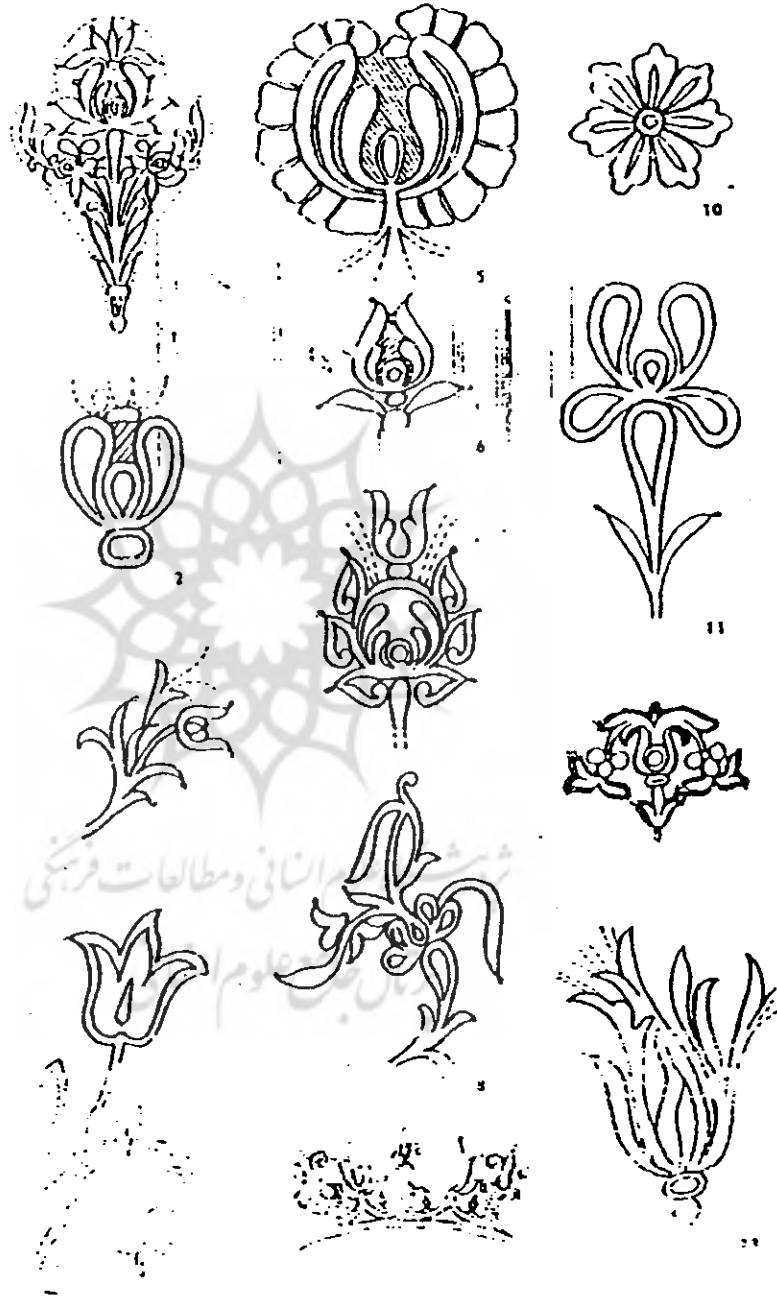
۱ و ۵ و ۷: گل اناری استادان زردوز به اسلوب شکل میوه‌ها از دید «دب عتابی»؛ ۲ و ۶ و ۸: ترنج؛ ۳ و ۹ و

۱۰: ترنج خزان‌ناک؛ ۴: ترنج نعلناک

نگارهای مختلف ترنج و انار:

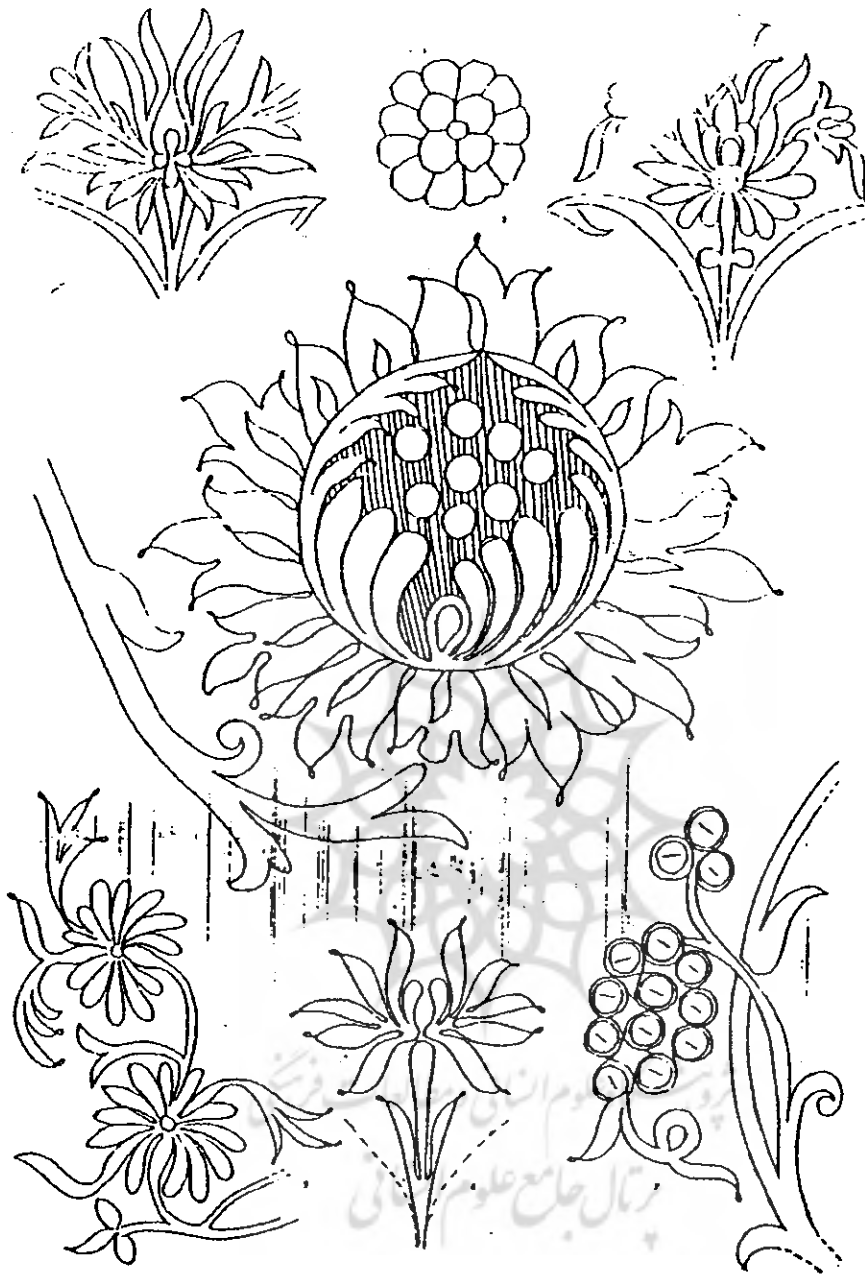
۱ و ۵ و ۷: شکل‌های مختلف گل؛ ۲ و ۶ و ۸: ترنج؛ ۳ و ۹ و ۱۰: ترنج خزان‌ناک؛ ۴: ترنج نعلناک





برگ ۱، ۵۷:

۳ و ۴ و ۶ و ۸ و ۹ و ۱۲ و ۱۳: ۵۷؛ ۱۱ و ۲ و ۷ و ۱۱: ليله کنگی؛ ۱۰: گویک کنگی



برگ ۵، گل چینی و انگور و طرحهای مختلف آنها:

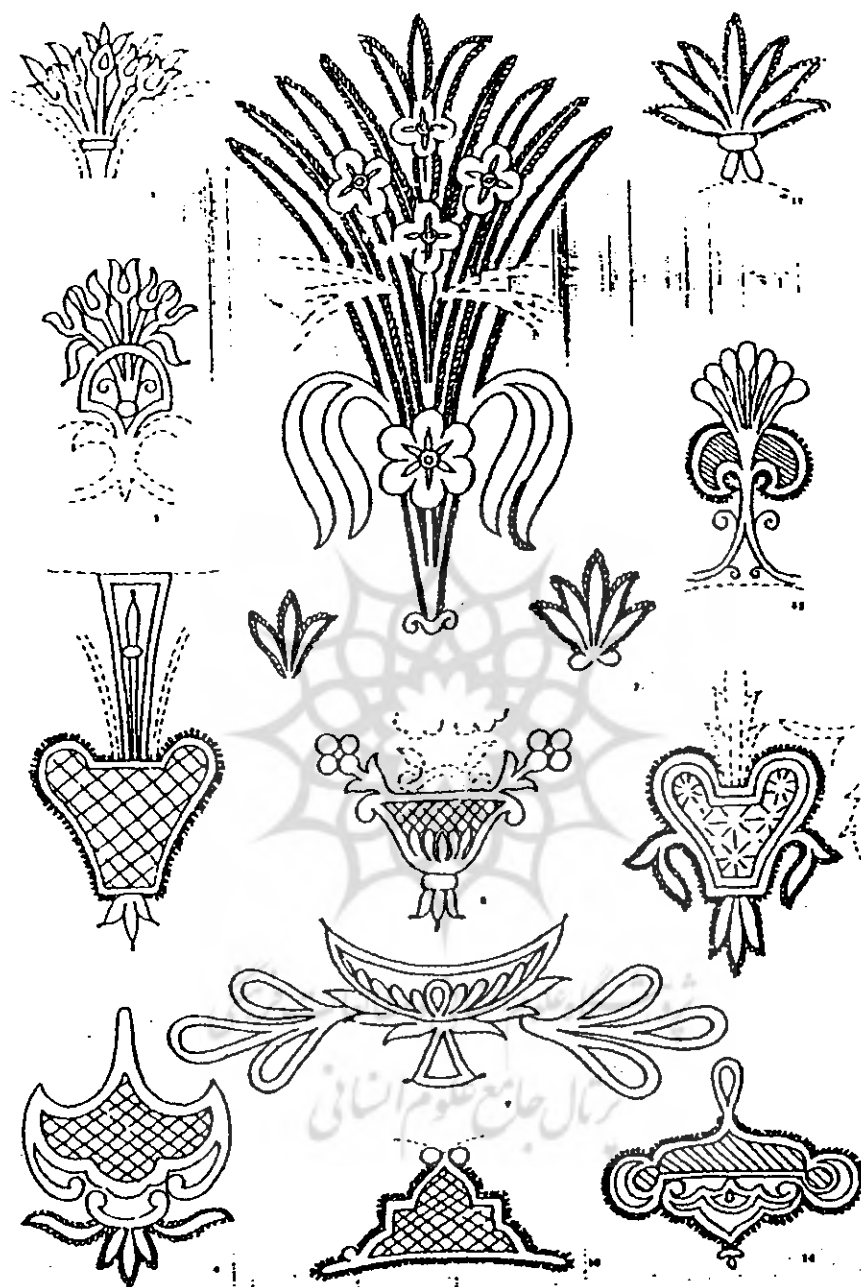
۱ و ۳ و ۵ و ۶: گلی چینی (= گل چینی)؛ ۲: گلی کاشغری (= گل کاشغری)؛ ۴: گلی کاسه گل (= گل

کاسه گل)؛ ۷: انگور؛

نگارهای متفاوت گل چینی و انگور: ۱ و ۳ و ۵ و ۶: گلی چینی (= گل چینی)؛ ۲: گلی کاشغری؛ ۴: گلی

کاسه گل؛ ۷: انگور

کاسه گل  
نگارهای  
کاسه گل



برگ ۶، طرحهای مختلف طوق:

۱ و ۲ و ۵ و ۶ و ۷ و ۱۱ و ۱۲: تاجی گل (= تاج گل)؛ ۳ و ۴ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۳ و ۱۴: کب گل

نگارهای مختلف طوق:

۱ و ۲ و ۵ و ۶ و ۷ و ۱۱ و ۱۲: تاجی گل (= تاج گل)؛ ۳ و ۴ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۳ و ۱۴: کبی گل (= کب گل)